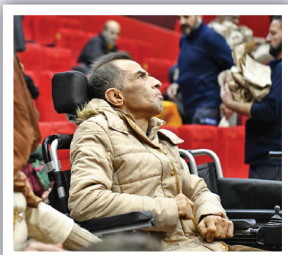
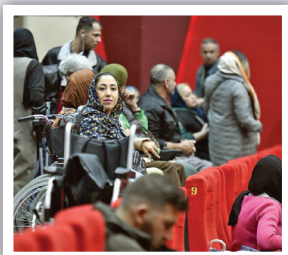




اکران ویژه

اکران ویژه
 فیلم‌های جشنواره
 برای معلولان



اکران ویژه فیلم‌های جشنواره برای معلولان جسمی از روز گذشته در پردیس سینمایی باغ کتاب آغاز شد. در نخستین روز از این اکران‌ها، فیلم «صدام» و «چشم مردم» برای این عزیزان به نمایش درآمد. طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته قرار است طی شروز، منتخبی از فیلم‌های چهل و سومین جشنواره فیلم فجر در ۲ سانس ویژه در پردیس سینمایی باغ کتاب برای معلولان جسمی اکران شود. پردیس سینمایی باغ کتاب با دارا بودن سطح دسترسی مناسب برای معلولان جسمی، امکان استفاده از سالن اصلی و ۴ سالن همکف دیگر را برای این عزیزان فراهم کرده است.

همچنین با توجه به استقبال صورت گرفته، در نخستین روز اکران‌های ویژه جشنواره برای معلولان جسمی یک سانس دیگر به نمایش آثار اضافه شد و معلولان جسمی توانستند بیننده یکی دیگر از فیلم‌های جشنواره به انتخاب خود باشند. علاوه بر این، برنامه‌های ویژه دیگری نیز برای گروه‌های مختلف در نظر گرفته شده است:

- سه‌شنبه ۱۶ بهمن: اکران آثاری برای کودکان بدسرپرست در باغ کتاب
- چهارشنبه ۱۷ بهمن: اکران فیلم‌های مناسب‌سازی شده برای نابینایان در پردیس سینمایی چارسو
- پنجشنبه ۱۸ و جمعه ۱۹ بهمن: اکران فیلم‌های مناسب‌سازی شده برای ناشنویان در پردیس سینمایی چارسو

همچنین قرار بود روز گذشته به مناسبت میلاد حضرت ابوالفضل العباس (ع) و روز جانباز، باغ کتاب تهران میزبان سانس ویژه اکران فیلم برای جانبازان باشد که به دلیل آلودگی هوای تهران و نامساعد بودن شرایط برای حضور جانبازان این برنامه لغو و به پنجشنبه ۱۸ بهمن موکول شد.

یک سکانس از فیلمنامه «زیبا صدایم کن»

هنوز خورشید دنبالت می‌کنه؟

ژولیت رضاعی بازیگر اصلی این فیلم هستند. مازیار هاشمی تهیه‌کنندگی فیلم را برعهده دارد. «زیبا صدایم کن» محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، بنیاد سینمایی فارابی و میلاد فیلم است. در میان فیلم‌های این دوره از جشنواره فیلمنامه این فیلم از آثار اقتباسی از ادبیات محسوب می‌شود. با سپاس از فیلمنامه‌نویسان این اثر که سکانسی از فیلمنامه را در اختیار ما گذاشتند.

فیلمنامه «زیبا صدایم کن» تازه‌ترین ساخته رسول صدرعاملی را آرش صادق بیگی، میلاد صدرعاملی و محمدرضا صدرعاملی براساس رمانی به همین نام نوشته فرهاد حسن‌زاده به نگارش درآورده‌اند. خسرو که در آسایشگاه روانی به اجبار بستری است، تمام این سال‌ها را در فکر دخترش، زیبا، سپری کرده. خسرو در روز تولد دخترش تصمیم متفاوتی می‌گیرد. امین حیایی و

را پایین می‌گوید اما بسته نمی‌شود. آژیر دارد به نیسانی یخچال دار پشت سرش اعتراض می‌کند. دکتر این یک‌بارگی رفتار خسرو را زیر نظر دارد. دکتر: آقا خسرو... جواب من رو نمی‌دی؟ خسرو روبروی گرداند. خسرو: زدن به ماشین خانوم آژیر... تو سرم صدایی چیزی نیست‌ها، واقع زده، بیا ببین... دکتر نگاهش را از او برنمی‌دارد. خانم آژیر به سختی کیف و کوله‌اش را از صندلی عقب برمی‌دارد و با کمر در را می‌بندد و راه می‌افتد آن سمت آسایشگاه. خسرو برمی‌گردد سر جایش. رو می‌کند به دکتر. دکتر: ما چند نفریم اینجا. خسرو: لحظه‌ای مکث می‌کند. خسرو: ۴ نفر... امروز مرخص می‌شم؟ خیلی خوب بخدا. دکتر: کجا می‌خواهی بری؟ مگه نمی‌گی خونته اینجاست. خسرو: می‌دونی چند ساله ندیدمش؟ تولد دخترمه فرادا. دکتر: تو دوره سختی رو گذروندی آقا خسرو زود مرخص می‌شی، عجله نکن.

تاور کرین بودم؛ ۴۰ متر اون بالای آسمون، الان هم توهم نزدما ردم نکنین... ۱۰ سال نخستین نفری بودم تو تهران طلوع خورشید رو می‌دیدم... کسی بودیم برای خودمون، سنگ رو سنگ بند نمی‌شد بدون من. خسرو بی‌قرار نگاهش می‌کند. دکتر: هنوز خواب پرواز می‌بینی؟ دوست داری از ارتفاع بپری؟ خسرو: (مکث می‌کند) نه دکتر، خیلی وقته از سرم پریده. دکتر: از کی؟ خسرو: از وقتی تو خشکشویی کار کردم... بالاخره یه کاری پیدا کردم پام رو زمین باشه. دکتر: کدومش بهتره؟ وسط صحبت دکتر، صدای تصادف و بوقی شنیده می‌شود. یک‌هو خسرو پا می‌شود و می‌رود پشت پنجره. دکتر صدایش می‌زند. دکتر: آقا خسرو... آقا خسرو... خسرو نمی‌شنود و غرق در فکر است. ورودی حیاط یکی از عقب زده به زانتیای آژیر. زن ۳۷ ساله، از ماشین پیاده می‌شود و می‌رود پشت ماشین. صندوق عقب قر شده. چندبار در صندوق

روز/درون/آسایشگاه خسرو، ۴۸ ساله، نشسته جلوی دکتر و خودش را صاف و صوف می‌کند. دکتر دارد وضعیت و پرونده‌اش را بررسی می‌کند. دکتر: خوب خوابیدی دیشب آقا خسرو؟ خسرو: خیلی وقته قرص خواب هم نمی‌خورم، عالی خوابیدم. دکتر: چه خوب، امروز چندشنبه‌س آقا خسرو؟ خسرو: دوشنبه... دیروز یکشنبه بود. دکتر: چه ماهی؟ خسرو: آبان. دکتر: چند ساله اینجا آقا خسرو؟ خسرو: ۸ سال... ۹ سال... دکتر: خسته شدی از اینجا؟ خسرو: نه، خونم بوده خوب... دکتر: جهت‌ها رو بلدی؟ مثلن می‌دونی شرق کدوم طرفه؟ خسرو: (با دست جهتی را نشان می‌دهد) هر جا رو به کوه و ایسی آقا، دست راستت می‌شه شرق... همون جا که خورشید درمیاد... دکتر: هنوز خورشید دنبالت می‌کنه؟ خسرو: نه دکتر، خیلی وقته... من خب راننده

